شاه مردم را درک نمی‌کرد

خسرو معتضد، تاریخ‌نگار: غرب در زمان پهلوی ایران را تحقیر می‌کرد. از طرفی شاه هم مردم را درک نمی‌کرد و فقط به فکر رواج تفکرات غربی مثل رقص، موسیقی و بی‌حجابی بود درصورتی‌که وضعیت اقتصادی مردم اصلا خوب نبود درواقع این تفکر که مدرنیسم باعث انقلاب شد غلط است.

آزادی قبل انقلاب دروغ بود

حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی: پیش از انقلاب اسلامی ۱۰هزار زندانی سیاسی در زندان‌های کشور وجود داشت. شاه حتی تحمل اینکه تاکسی‌داران در روزنامه اطلاعات از شرکت تعاونی خود انتقاد کنند را نداشت، جوان‌ها بدانند حرف‌هایی که درباره آزادی دوران قبل انقلاب زده می‌شود، دروغ است.

پهلوی‌ها ثروت زیادی از کشور خارج کردند

قاسم تبریزی، پژوهشگر تاریخ معاصر: هم محمدرضا پهلوی و هم رضاشاه ثروت زیادی از کشور خارج کردند. اموالی که رضاشاه به خارج برد، توسط انگلیسی‌ها دزدیده شد. اموال پهلوی‌ها در آمریکا نیز ۱۱ میلیارد دلار بود که بخشی از آن را آمریکا برداشت. بخش دیگری از این اموال در اختیار فرح و رضاپهلوی قرار گرفت.

خفقانی که آن دوران حاکم بود

نصرت‌الله لطفی، قائم‌مقام پیشین سازمان تبلیغات اسلامی: در زمان حکومت پهلوی، آنچنان بی‌اعتمادی و خفقان در جامعه حاکم بود که حتی مسائل شرعی را از روی رساله حضرت امام خمینی(ره) در دفتر صدبرگ با خط دانش‌آموزی می‌نوشتیم و به مقلدان‌شان می‌رساندیم، مسائل شرعی که سیاسی نبود اما اجازه بیان آن هم داده نمی‌شد.

بازی تاج و تخت با انتخابات

روایتی از جایگاه رأی مردم در دوران پهلوی

گزارش: حسین کاظمی، پژوهشگر

مینو صمیمی، منشی فرح(همسر محمدرضا شاه) در خاطراتش آزادی آراء را چیزی جز شوخی نمی‌دانست. او می‌گفت: «موقعی که می‌شنیدم ما در کشور از آزادی حق رأی برای انتخاب وکلای مجلس برخوردار یم یا می‌گفتند زنان با استفاده از آزادی اعطا شده می‌توانند در انتخابات شرکت کنند، بلافاصله این سؤال به ذهنم می‌آمد که اصولا وقتی ساواک همه نمایندگان مجلس را برمی‌گزیند چگونه امکان دارد کسی مسئله وجود آزادی حق رأی را باور داشته باشد؟»[۶]

انتخابات لغو شود!!

تصور کنید اگر در کل انتخابات چند موردی هم خلاف نظر شاه برگزیده می‌شدند چه اتفاقی رخ می‌داد؟ جعفر شریف‌امامی پاسخ این سؤال را اینگونه می‌دهد: «در انتخابات مجلس بیستم الماعیضحرت فرمودند خوب است با کسانی که انتخاب شده‌اند مشورتی بکنیم و ببینیم آیا انتخابات را نگه داریم یا آن را لغو کنیم و از نو انتخابات بشود؟ به هرحال صحبت کردیم و نظر داده شد که انتخابات مجلس بیستم منحل بشود»[۶]

سر تا پا، ضدمردم

- انتخابات در دوره محمدرضا شاه ما را به چیز رساند؟
- تک‌حزبی شدن ایران و رسیدن به حزب رستاخیز در سال ۱۳۵۳
- مطبوعات در خدمت دربار
- مجالس بدون هرگونه پشتوانه مردمی و مستقل
- باعث برخی از مصوبات مجلس هم شد.

فقط مطیعان امر حق ورود دارند

سید حسن تقی‌زاده درباره انتخابات زمان رضاخان می‌نویسد: «وقتی که دوره آن مجلس (مجلس ششم) به اتمام رسید و اعلان انتخابات جدید کردند، مداخلات دربار از حد تجاوز کرد. در حقیقت رضاشاه تصمیم قطعی گرفته بود که یک نفر هم از اشخاصی که مطیع او نباشند، انتخاب نشود.»[۶]

۱.عضویت قضایی ده‌ها هزار نفر مستشاران آمریکایی که در ایران زندگی می‌کردند به همراه اعوان و انصارشان ۲.جداشدن بحرین از ایران

- دست به سینه مقابل سفارت

شاه مجری سیاست‌های دیکته شده آمریکایی‌ها بود و هیچ استقلالی در تصمیماتش نداشت. بالاخره سلطنتش را مدیون‌شان بود.

قانون را با خواست من، موافق کنید!

کریستین دلانوا فرانسوی در کتاب خود با پول مردم سرمایه‌گذاری‌هایی انجام می‌داد که برخی شامل موارد زیر است:

۱.تصفیه شکر اهواز
۲.لبنیات پاک
۳.قند دزفول
۴.باغداری گل چشمه
۵.سازمان زراعی مهرشهر
۶.سردخانه‌های مختلف با ظرفیت‌های متعدد در مهرشهر و گرگان
۷.شرکت مهر ساختمان
۸.شرکت آلوم پارس
۹.شرکت دامداری ایران و اسکانیس
۱۰.شرکت آب میوه و مربا
۱۱.شرکت دامپروری

ویلاها و کاخ‌ها

کاخ مروارید در زمین ۱۱۱هکتاری با زیربنای ۲۵۰۰مترمربع در سال‌های ۱۳۴۵تا۱۳۴۷ با هزینه یک میلیون دلار ساخته شد و قرار بود مجهزترین و اشرافی‌ترین کاخ پهلوی‌ها لقب بگیرد. اما دارایی شمس تنها به یک کاخ ختم نشد و شامل ویلاها و کاخ‌های دیگری هم بود.
● ویلای واشنگتن ● ویلای پاریس ● ویلای کالیفرنیا
● قصر مروارید ● کاخ نوبهار ● کاخ مهرشهر

هزینه‌های زندگی شمس براساس اسناد

۱۵ میلیون تومان در سال ۱۳۴۹
۲۰ میلیون تومان در سال ۱۳۵۰
۲۵ میلیون تومان در سال ۱۳۵۱

ماجرای ساخت کلیسا در قصر شخصی چه بود؟

شمس به آیین مسیحیت گرایش داشت که این گرایش نهایتا به مسیحی شدن او انجامید. او به واتیکان سفر و با پاپ ملاقات کرد و یک مدرسه مذهبی - مسیحی در ملک اختصاصی‌اش در کرج ساخت. همچنین کلیسایی کوچک در کاخ شخصی‌اش در مهرشهر بنا کرد و علاوه بر شمس، همسر و فرزندانش هم طبق رویه او به این آیین گرایش پیدا کردند. او در سال ۱۳۷۴وقتی در ۷۸ سالگی درگذشت هم طبق آیین مسیحیت به خاک سپرده شد.

یک چمدان پر از رأی!!

نشریه تایم درباره انتخابات مجلس نوزدهم شورای ملی چنین می‌نویسد: «از ۲۱ نفر نماینده تهران که انتخاب شدند اسامی آنها قبل از برگزاری انتخابات اصلا معلوم بود که چه کسانی نماینده تهران خواهند بود. چمدان‌های پر از رأی در آن دوره آمد و صندوق‌های رأی را پر کرد. در دوره نوزدهم همین اتفاق افتاد. گردانده دوره نوزدهم تیمور بختیار رئیس ساواک و علوی کیا رئیس شهربانی و پیراسته وزیر کشور بود. این افراد براساس فهرستی که از سوی محمدرضا شاه و اسداله علم تهیه شده بود اسامی افراد را در صندوق آرا می‌انداختند و هر کسی خلاف این رأی می‌داد مورد تعقیب و بازخواست قرار می‌گرفت.»[۷]

بازی‌ای به نام انتخابات

ویلیام داگلاس آمریکایی به نقل از مردم آن زمان ایران در کتابش می‌نویسد: «هنگام انتخابات سربازان با صندوق‌های رأی و تعدادی اوراق از پیش نوشته شده به محل رأی‌گیری می‌آیند و در رأس اوراق فقط اسم یک نفر نوشته شده و مردم پشت سر هم صف می‌بندند و آرای از پیش نوشته شده بین افراد تقسیم می‌شود و آنگاه صف به‌ترتیب نوبت به طرف جلو حرکت می‌کند و مردم اوراق را در صندوق می‌ریزند.»[۸]

ناظر صندوق، شعبان بی‌مخ

شعبان جعفری(بی‌مخ) کار انتخابات را به‌دست گرفت؛ کار شعبان جعفری و اراذل و اوباش در خدمت او این بود که آرای مردم را از دست آنها می‌گرفتند و اگر فردی غیراز فهرست مورد نظر حکومت نامش در برگ رأی بود با ضرب و شتم رأی‌دهنده و تراشیدن سر و صورت او تلاش می‌کردند نتیجه انتخابات را به نفع حکومت برگردانند.[۲]

آش دیگه خیلی شور می‌شود!!

در عصر پهلوی دوم دستکاری و تقلب در انتخابات به قدری بود که نه‌تنها میل به مشارکت در مردم را کاهش داد بلکه در موادی هم صدای واپسگان دربار را هم درآورد؛ برای نمونه در انتخابات مجلس بیست‌وسوم، دولت هویدا به‌قدری در انتخابات دستکاری کرد که صدای اسداله علم(وزیر دربار) را هم درآورد؛ او در کتاب خاطراتش می‌گوید که به شاه گفته است الان که ما قدرت داریم، ای کاش قدری زمینه مشارکت مردم را فراهم می‌کردیم. شاه با ناراحتی پاسخ علم را می‌دهد و می‌گوید که نمی‌توانیم ریسک کنیم، چون احتمال دارد هر اتفاقی بیفتد.

مجلس فرمایشی

اسداله علم در سال ۱۳۵۲علت بی‌تفاوتی مردم به انتخابات را چنین تحلیل می‌کند: «تعرضات دولت مرا به یاد رفتاری می‌اندازد که ممکن است یک ارتش اشغالگر با ملتی شکست‌خورده در جنگ داشته باشد. در کلیه سطوح از انتخابات مجلس گرفته تا انتخابات محلی و انجمن شهر، دولت، آزادی را از مردم سلب کرده و اراده خود را تحمیل کرده و نامزدهای خود را از صندوق‌ها بیرون می‌آورد. مثل اینکه رأی‌دهندگان کوچک‌ترین حقی در این مورد ندارند.»[۱۰]

سلسله مراتب آرای دزدی

یحیی دولت‌آبادی (از روشنفکران مشروطه) از سازوکار حاکم بر انتخابات دوره هفتم اینگونه یاد می‌کند: «نمایندگان مجلس هفتم به بعد بدون استثنا اول باید رضایت دربار پهلوی را تحصیل کنند و شرط معین را هم که رأی دادن به هر لایحه‌ای از طرف دولت می‌آید به مجلس بدون اعتراض تقبل کنند آنگاه نام آنها داخل فهرست نمایندگان در آن دوره شده و با تعیین آنکه از چه محل انتخاب شوند، آن فهرست به‌دست نظمیه مرکز و ولایات داده شده آنها هم تکلیفشان معین است و همه‌چیز در دست خودشان و کارکنان مخصوصی است که دارند. نظمیه‌ها در موقع انتخابات دارالتحریری تشکیل داده هزارها اوراق مطابق فهرست دولت نویسنده حاضر می‌گذارند و آنها را توسط سردسته‌ها به افراد می‌دهند که در صندوق انتخابات بریزند. در این صورت نتیجه قطعی است که مطابق دستور دولت از قبل انجام شده و گاهی اهل محل به هیچ وجه نمایندگان خود را نمی‌شناسند بلکه شاید اسمش را هم نمی‌دانند.»[۱۳]

بی‌آبرو در دنیا

صبح چند خبرخارجی را هم عرض کردم(به شاه) من جمله مقالات تند لوموند را علیه اعدام‌های اخیر فرمودند:اهمیت ندارد. عرض کردم: پرسنیز ما در اروپا و آمریکا دارد خراب می‌شود. فرمودند:به جهنم، ما که نمی‌توانیم اسیر جرایدی باشیم که خودشان نمی‌دانند چه می‌خواهند.این پدرسوختهای که می‌گوید قاتل را آن هم قاتلی که تروریست است اعدام نکنید آخر چه منطقی دارد؟! ما هم باید این مزخرفات را گوش کنیم؟»[۱۴]

بنیانگذار «کلید پارتی» نماینده مجلس شد

متأسفانه گاه ملاک راه‌یافتن به مجلس مسائل جنسی بود. مهین دخت صنیع که در دوره‌های بیست و سوم و بیست و چهارم از بابل به مجلس راه یافت، «از طریق جنسی نماینده مجلس شد.» پری (پروین) اباصلتی مبتذل‌ترین و فاسدترین زن دربار محمدرضا پهلوی بود. پری حتی از معازله با مردان دیگر در جلوی همسرش خودداری نمی‌کرد. وی بنیانگذار «کلید پارتی» در ایران بود. او به دستور فرح به‌عنوان نماینده دوره بیست و چهارم به مجلس راه یافت.[۱۱]

مشارکت سیاسی؛ قبل و بعد از انقلاب اسلامی

در دوران پهلوی، مردم فقط در انتخابات مجلس شورای ملی نقش داشتند؛ اگرچه انتخابات محدود انجمن شهر و نمایندگان سنا نیز برگزار می‌شد که تماماً با دخالت دربار و ساواک صورت می‌گرفت. اما اکنون با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مردم به ۸صورت مختلف مشارکت سیاسی دارند:
●همه‌پرسی تاسیس جمهوری اسلامی
●همه‌پرسی قانون اساسی
●همه‌پرسی تفسیری «اصل ۵۹ قانون اساسی»
●مجلس خبرگان قانون اساسی
●مجلس خبرگان رهبری
●ریاست‌جمهوری
●مجلس شورای اسلامی
●شورای اسلامی شهر و روستا

اگر نمی‌توانید دزدی کنید، استعفاء دهید

انتخابات مجلس هشتم در حالی انجام شد که تیمور تاش، وزیر دربار بخشنامه‌ای درباره نحوه برگزاری انتخابات به تمام حکام صادر کرد. این بخشنامه در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۰۹ صادر و از یک مقدمه و ۱۳ بند تشکیل شده بود. در مقدمه این بخشنامه تأکید شده بود که «طبق اوامر ملوکانه طبق صورتی که ارسال گردیده است باید جدیت لازم به عمل آید که این اشخاص جهت مجلس انتخاب شوند. اعلیحضرت اقدس شهریاری علاقه‌مند هستند که باید اشخاص منقطعه‌المندرجه... به هر قیمتی باشد انتخاب شوند. در صورتی که اندک تعللی در اجرای اوامر صادره شود مقصر بی‌پهی است مورد بی‌مهری اعلیحضرت واقع خواهد شد. چنان که توانایی اجرای «مأموریت» را ندارید، «از تاریخ ملاحظه حُکم تا ۴۸ ساعت از خدمت استعفا دهید.»

پی‌نوشت:
۱- پشت پرده تخت طاووس، تالیف مینو صمیمی ص ۳۳۲
۲- خاطرات جعفر شریف امامی وپراستاری حبیب لاجوردی ص ۱۷۵
۳- حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک . جلد۲ صفحه ۴۵
۴ - کتاب ساواک/نوشته کریستین دلانوا/ترجمه عبدالحسین نیک گهر/صفحه۲۰
۵- محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی، ج ۱، ص ۱۴۴
۶- شعبان جعفری در آینه اسناد/نوشته عباس قاطعی نویس ص ۳۳۲
۷- سایت ایرنا به نقل از نشریه تایم
۸- کتاب سرزمین شگفت انگیز و مردمی مهربان و دوست داشتنی نوشته ویلیام او. داگلاس(قاضی دیوان عالی آمریکا) ترجمه فریدون سنجری/ صفحه۱۸۲
۹- دانشجویان پیرو خط امام، مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد اص ۷۳
۱۰- خاطرات اسداالله علم، یکشنبه ۲۰ فروردین ۵۱
۱۱- خاطرات حسین فردوست، ج ۱ ص ۲۸۳
۱۲- خاطرات اسداالله علم، جلد۵، ص ۴۳۴
۱۳- یحیی دولت‌آبادی؛ حیات یحیی، ج۴، ص ۴۴۰.

چند روایت از ابعاد گسترده فساد پسران رضاشاه

۶ برادر فاسد پهلوی

هرچند فساد در دربار پهلوی و میان اعضای خانواده، دوستان و اطرافیان شاه پهلوی گسترده‌گی بی‌اندازه‌ای داشت، اما روایت‌ها و اسناد تاریخی بیش از هرچیز از دست داشتن ۶پسر رضاشاه در انواع فساد اخلاقی، سیاسی و اقتصادی حکایت دارد.

بند ۱۲ میلیون دلاری

نام: **عبدالرضا**
تولد: **مهر ۱۳۰۳**
درگذشت: **شمسی ۲۰۰۴ میلادی**
فرزند: **هفتم**

خاندان پهلوی به روایت اسناد/ جلال ومختار حیدری/ جلد دوم/ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران/صص ۴۸۸-۴۸۷

عبدالرضا مانند سایر افراد خاندان پهلوی برای افزایش درآمدهای خود از انجام معاملات غیرقانونی و نیز دریافت رشوه از شرکت‌های اقتصادی برای عقد قراردادهای خلاف مقررات، رویگردان نبود. ازجمله موارد رشوه‌خواری عبدالرضا می‌توان از قرارداد ساخت کارخانه کاغذسازی در شمال ایران توسط یک شرکت کانادایی نام برد. در این معامله، عبدالرضا با استفاده از نفوذ خود از وزیر دارایی خواسته مبلغ قرارداد ساخت کارخانه از ۸۰میلیون دلار به ۱۰۰میلیون دلار افزایش پیدا کند. در مقابل شرکت کانادایی علاوه بر مشارکت او در معامله، مبلغ ۱۲میلیون دلار به‌حساب او واریز می‌کند. از علایق شخصی عبدالرضا، شکار بود. او از سهامداران گروه کارخانه‌های نورد آلومینیوم و شرکت ماشین‌آلات کشاورزی جاندیر و مالک شرکت شکار ایران بود.

زمین‌خوار کارکشته

نام: **غلامرضا**
تولد: **۱۳۰۲**
درگذشت: **۱۳۹۶**
فرزند: **ششم**

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی/ سند شماره ۹۳

در اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی آمده: شاهزاده غلامرضا پهلوی، پس از خریداری کارخانه باقندگی داماد، واقع در کرج (جاده قزوین)، چندصد هزار متر زمین‌های اطراف کارخانه را تصرف کرد. در سندی دیگر ساواک گزارش داده: ساعت ۴روز جمعه ۲۱تیرماه ۱۳۵۳ شمسی، سروان یاری - فرمانده گردان زاندارمری رشت - با چند کامیون سرباز و زاندارم مسلح به قریه لشت نشاء هجوم برده و با نصب پایه‌های بتونی و سیم‌خاردار، مقداری از اراضی ساحلی قریه امین‌آباد را تصرف و اعلام داشتند که این کار بنا به امر والاحضرت شاهزاده غلامرضا پهلوی صورت گرفته است. ضمناً مأموران زاندارمری به عسگری نام - فردی از اهالی تابش محله لشت‌نشاء که حدود ۲۰هکتار از زمین‌های ساحلی را دارد - و همچنین به شخص دیگری که او نیز دارای ۱۸هکتار زمین است، فشار آورده‌اند که زمین‌ها را به نماینده والاحضرت واگذار کند.

غرق در فساد

نام: **محمدرضا**
تولد: **۱۲۹۸**
درگذشت: **۱۳۵۹**
فرزند: **سوم**

منبع: تاریخ سیاسی معاصر ایران، ص ۱۲۱

از بین پسران رضاشاه پهلوی، تنها محمدرضا توانست جانشین او شود و رسیدن به مقام شاهی، تنها دست او را برای انجام فساد بازتر کرده بود. یکی از ویژگی‌های بارز محمدرضا، خوشگذرانی با زنان و هوسرانی بود. ملکه مادر درباره محمدرضا پهلوی اینطور گفته: «محمدرضا در برابر دختران موطلایی تسلیم محض بود». شاه چنان بی‌دغدغه از مشکلات مردم و سقوط خود به عیاشی مشغول بود که حتی در آخرین ماه‌های حکومتش دست از فساد اخلاقی برنمی‌داشت. رشوه‌خواری، تصرف اموال و املاک عمومی، قاچاق موادمخدر، قمار و عیاشی تنها گوشه‌ای از ویژگی‌های پهلوی دوم است. محمدرضا در ۴۰سالگی برای به دنیا آمدن ولیعهد با فرح دیبا ازدواج کرد و هرچند که انتظار می‌رفت کهولت سن میلش را به زن بارگی و فساد کمتر کند.

پول توجیبی هزاران دلاری

نام: **احمدرضا**
تولد: **۱۳۰۴**
درگذشت: **۱۳۶۰**
فرزند: **هشتم**

ازسقوط/ احمدعلی مسعود انصاری/ صص ۱۲۶-۱۲۶

احمدعلی مسعود انصاری، پسر دختر خاله فرح در خاطراتش می‌نویسد: احمدرضا برادر شاه، از نداری شکایت می‌کرد تمام درخواستش این بود که برای گذران زندگی‌اش ماهی ۳هزار دلار به او کمک شود و کسی حاضر نشد این مبلغ را به او بدهد و اخر کار فرح قبول کرد که این مبلغ را در اختیار او بگذارد. احمدرضا به واسطه استفاده از موقعیت خاندان خود صاحب یا سهامدار مؤسسات اقتصادی زیادی بود که از جمله آنها می‌توان شرکت کشت و صنعت شاهین کی، شرکت کشاورزی شهرناز، شرکت کشاورزی شهبین، شرکت تهران پوره، مرکز بین‌المللی پروژه‌های ایران، شرکت توسعه تجارت شهوران و شرکت کارخانه‌های نان ماشینی را نام برد.

دلالی موادمخدر

نام: **محمودرضا**
تولد: **۱۳۰۵**
درگذشت: **۱۳۷۹**
فرزند: **نهم**

پس ازسقوط/ احمدعلی مسعود انصاری صص-۱۷۷ ۱۷۹

همچنین احمدعلی مسعود انصاری در کتاب پس از سقوط نوشته: محمودرضا نیز اهل تریاک بود و به قول شاهزاده رضا پهلوی در تجارت آن هم دست داشت. در کالیفرنیاست و وضع او هم بد نیست. محمودرضا صاحب ۴مؤسسه صنعتی و چندین معدن، یک کارخانه آجر و یک کارخانه لاستیک اتومبیل بود.» او در زندگی شخصی و خانوادگی هم ناموفق بود. اسماء فعالیت‌های اقتصادی سودده مانند مقاطعه کاری‌های دولتی، خریدهای داخلی و خارجی، صنایع غذایی، کشاورزی و دامپروری، معادن، خدمات، مؤسسه‌های مالی و اعتباری، صنایع عظیم صنعتی مانند سیمان، شرکت‌های کشت و صنعت و مؤسسات، شرکت‌های ساختمان‌سازی، هتل‌داری و مؤسسه‌های بازرگانی و تجاری تا کشت خشخاش و قاچاق موادمخدر و دریافت حق دلالی‌های کلان، دست داشت و این راه‌ها کسب درآمد می‌کرد.

عیاش طردشده از دربار

نام: **حمیدرضا**
تولد: **۱۳۱۱**
درگذشت: **۱۳۷۱**
فرزند: **یازدهم**

پس ازسقوط/ احمدعلی مسعود انصاری/ ص ۱۶۳

حمیدرضا، برادر شاه به‌دلیل شب‌زنده‌داری‌ها و شایعه اعتیاد و رفتاری که ظاهرا خلاف شئونات خاندان سلطنت تلقی می‌شد از دربار طرد و مغضوب شد. اهل خوشگذرانی بود به همین خاطر در سن ۱۹ سالگی مقدمات ازدواج او را فراهم کردند و با دختر عموی مادرش ازدواج کرد ولی این ازدواج اندکی بعد به جدایی انجامید. گزارش‌هایی از سوی ساواک خطاب به دربار ارسال می‌شد که حاکی از اعتیاد و اعمال خلاف شئون اخلاقی از سوی او بود. عصمت دولتشاهی، مادر حمیدرضا، ضمن تأیید اعتیاد او اعتراف کرده بود که او بر سر دستگیری ۳نفر از دوستانش توسط ساواک، با نصیری درگیر و ضمن کندن درجه‌های او به وی سیلی زده است. حمیدرضا پس از انقلاب هم با نام‌های مستعار مختلف به قاچاق موادمخدر ادامه داد.

فردین

اسرار خیانت یک مفسد اقتصادی

نام: **شمس پهلوی**
متولد: **ششم آبان ۱۲۹۶**
نسبت با خاندان پهلوی: **نخستین فرزند رضاشاه از همسر دومش تاج‌الملوک آیرملو**

شمس پهلوی از دار و دوران حکومت پهلوی با عنوان «شاهدخت شمس پهلوی» می‌شناختند. او در دوران سلطنت پدر و برادرش به مال‌اندوزی و فساد شهره بود. شمس، ریاست کانون بانوان ایران را به‌عهده داشت و به تجارت الماس و خودرو علاقه زیادی نشان می‌داد و از پول بیت‌المال برای خود کاخ‌ها و عمارت‌ها می‌ساخت. کتاب‌های تاریخی، اسناد بازمانده، نقل‌قول‌های نزدیکان و درباریان و گزارش خبرگزاری‌های خارجی روایت گوشه‌ای از این پرونده است.

سرمایه‌گذاری‌های کلان

شمس پهلوی برای افزایش ثروتش در حوزه‌های اقتصادی با پول مردم سرمایه‌گذاری‌هایی انجام می‌داد که برخی شامل موارد زیر است:

۱.تصفیه شکر اهواز
۲.لبنیات پاک
۳.قند دزفول
۴.باغداری گل چشمه
۵.سازمان زراعی مهرشهر
۶.سردخانه‌های مختلف با ظرفیت‌های متعدد در مهرشهر و گرگان
۷.شرکت مهر ساختمان
۸.شرکت آلوم پارس
۹.شرکت دامداری ایران و اسکانیس
۱۰.شرکت آب میوه و مربا
۱۱.شرکت دامپروری

ویلاها و کاخ‌ها

کاخ مروارید در زمین ۱۱۱هکتاری با زیربنای ۲۵۰۰مترمربع در سال‌های ۱۳۴۵تا۱۳۴۷ با هزینه یک میلیون دلار ساخته شد و قرار بود مجهزترین و اشرافی‌ترین کاخ پهلوی‌ها لقب بگیرد. اما دارایی شمس تنها به یک کاخ ختم نشد و شامل ویلاها و کاخ‌های دیگری هم بود.
● ویلای واشنگتن ● ویلای پاریس ● ویلای کالیفرنیا
● قصر مروارید ● کاخ نوبهار ● کاخ مهرشهر

هزینه‌های زندگی شمس براساس اسناد

۱۵ میلیون تومان در سال ۱۳۴۹
۲۰ میلیون تومان در سال ۱۳۵۰
۲۵ میلیون تومان در سال ۱۳۵۱

ماجرای ساخت کلیسا در قصر شخصی چه بود؟

شمس به آیین مسیحیت گرایش داشت که این گرایش نهایتا به مسیحی شدن او انجامید. او به واتیکان سفر و با پاپ ملاقات کرد و یک مدرسه مذهبی - مسیحی در ملک اختصاصی‌اش در کرج ساخت. همچنین کلیسایی کوچک در کاخ شخصی‌اش در مهرشهر بنا کرد و علاوه بر شمس، همسر و فرزندانش هم طبق رویه او به این آیین گرایش پیدا کردند. او در سال ۱۳۷۴وقتی در ۷۸ سالگی درگذشت هم طبق آیین مسیحیت به خاک سپرده شد.

مکث

شمس از نگاه دیگران

■ سرکیسه کردن سرمایه‌داران
فریدون هویدا در کتاب «سقوط شاه»: عمل زشتی که شمس انجام می‌داد گرفتن مبالغ هنگفت از وارد کنندگان اشیای گرانبها، طلا و جواهر و کالاهای پرقیمت بود. سرمایه‌داران به او باج می‌دادند و در مقابل کالاهای خود را به‌عنوان دربار شاهنشاهی وارد مملکت می‌کردند.

■ فرار مالیاتی
شهلا بختیاری، در کتاب مفاسد اخلاقی پهلوی: یکی از راهکارهای خاندان پهلوی برای فرار از پرداخت مالیات تصویب قوانین مربوط به معافیت مالیاتی در مجلس شورای ملی و توسط هیات وزیران بود. هیات وزراء در جلسه ۱۹شهریور ماه ۱۳۱۷با پیشنهاد وزارت تجارت اعلام کرد «بر کوانه ورود ۵ قفره کالا به شرح: ۱- چهار بسته لوازم تخصصی به ارزش ۳۰۰ریال از بیرون و ۲- یک بسته حاوی ابسمه ابر بشمی و کفش به ارزش ۱۸۰ریال از کشور سوئد به نام والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی وارد گمرک تهران شده به تقاضای اداره گمرک با معافیت از صدور برگه مالیات داده شود.» بلافاصله این موضوع به امضای نخست‌وزیر نیز رسید و به‌منظور اجرایه وزارت بازرگانی ارجاع داده شد.

■ ۱۰هزار دلار برای سفر
دکتر غلامحسین مصدق در کتاب در کنار پدرم، مصدق: شمس، خواهر شاه به آمریکا رفت تا زیر نظر پزشکان آمریکایی زایمان کند و بچه‌اش شاهنشاه آمریکایی بگیرد. شمس در لاهه، تقاضای ملاقات با پدرم را کرده بود. در این دیدار که در سفارت ایران صورت گرفت، او درخواست کرد که برای هزینه سفرش، به آمریکا مبلغ ۱۰هزار دلار از تهران برای او حواله شود.

■ سفارش الماس بدون توجه به هزینه
جلال افرهنده و مختار حدیدی در کتاب پهلوی‌ها: شمس پهلوی در نامه‌ای به فردی به نام علی ایزدی نوشته: به ۱۰ تخته الماس بزرگ خوب، احتیاج دارم که بعضی از آنها باید سفید و برخی بنفشه گلی - آبی و زرد و روشن باشد. به قیمت توجه نداشته باشید، قیمت را بدون تأخیر تلگراف کنید.

پژوهش

چند سند تاریخی درباره اشرف، خواهر محمدرضا پهلوی که در بی‌بندوباری شهره بود

نمادی از فساد سلطنت

نام: **اشرف پهلوی**
متولد: **۴آبان ۱۲۹۸**
نسبت: **خواهر دوقلوی محمدرضا شاه پهلوی**

اشرف پهلوی فرزند رضاشاه و تاج‌الملوک آیرملو و خواهر دوقلوی محمدرضا بود. زمانی که اشرف ۷سال داشت، پدرش به سلطنت رسید. او به سلطان موادمخدر در ایران شهره بود و اغلب معاملات موادمخدر زیرنظر او انجام می‌شد.

هزینه‌های خوشگذرانی

اشرف در تحمیل هزینه سفر به دولت، گوی سبقت را از همسگان ربوده بود. طبق اسناد منتشر شده برخی از هزینه‌های اشرف در مسافرت‌های به خارج از ایران شامل این موارد بوده است:

۱۰۰۰ دلار: هزینه سفر به آمریکا در سال ۱۳۴۹
۵۰۰۰۰ دلار: هزینه سفر به آمریکا در سال ۱۳۵۶
۲ میلیون دلار: هزینه سفر به سوئیس در سال ۱۳۵۶
۳۰۰۰۰۰ فرانک فرانسه: هزینه سفر به فرانسه در سال ۱۳۵۶
۳۰۰۰۰۰ دلار: هزینه سفر به تایلند در سال ۱۳۵۶

سهامداری از جیب ملت

برخی از سهام‌هایی که اشرف پهلوی در دنیای اقتصاد ایران از آن ارتزاق می‌کرد به این شرح است:
●۱۰درصد سهام شرکت‌های سیمان خوزستان و فارس
●۱۰درصد سهام کارخانجات در مقابل اخذ مجوز فعالیت
● حق انحصاری فروش بلیت‌های بخت آزمایی
● سهامداری عمده کارخانه کاغذ پارس
● تمام سهام شرکت مهستان
● تمام سهام شرکت گسترش شمال شهباد
● تمام سهام شرکت سازانکو
● تمام سهام شرکت گله، ایجاد واحدهای کشت و صنعت
● تمام سهام شرکت خدمات بیمه‌ای خاورمیانه

ثروت‌اندوزی در ایران

اشرف علاقه سیری‌ناپذیری به جمع‌آوری ثروت داشت و تا جایی که توانست ثروتش را در زمان فرار از ایران به خارج از کشور منتقل کرد.
۷۰۰میلیون دلار ثروت هنگام ترک ایران
۵/۶میلیون دلار پول نقد در بانک زمان مرگ
ده‌ها میلیون دلار جواهرات
۶۵هکتار زمین در بورلی هیلز
● املاک متعدد در فرانسه، کالیفرنیا، کلراده، نیویورک و کارالیب
۴۹میلیون دلار، ارزش خانه‌ای که اشرف در آن زندگی می‌کرد.

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی که داشت

● نایب‌رئیس کمیته مبارزه با بی‌سوادی
● ریاست بنیاد خدمات اجتماعی
● رئیس کمیته حقوق بشر
● رئیس هیات نمایندگی سیاسی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد
● ریاست عالیه سازمان زنان ایران
● شورای‌عالی جمعیت زنان ایران

چه سرانجامی داشت؟

اشرف پهلوی در ۱۷دی ۱۳۹۴ در منطقه مونت‌کارلو (فرانسه) به‌دلیل کهولت سن درگذشت، او ۳۷سال پایانی عمر خود را دور از ایران زندگی کرد و در چند سال پایان عمر به بیماری آلزایمر مبتلا بود.

مکث

اشرف از نگاه دیگران

■ فروش آثار باستانی
حسین فردوست در کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: اشیای تاریخی تپه مارلیک توسط شخص اشرف به سرقت رفته و او عامل به حراج رفتن آن اشیا بود. به محض اینکه در تپه مارلیک اشیای طلایی بسیار گران‌قیمت کشف شد، اشرف آن محل را خریداری کرد و محتویات آن تپه از آن به بعد به‌دست معامله‌گران هنری تمام دنیا رسید.

■ دخالت در امور سیاسی
احمدعلی مسعود انصاری در کتاب من و خاندان پهلوی: اشرف تشنه قدرت بود. او با بسیاری از درباریان که آنان را رقیب خود می‌دانست اختلاف داشت. اشرف آدم‌های خودش را داشت و حتی در کابینه همیشه چند نفری بودند که به اصطلاح نزدیکی با اشرف موقعیت خود را حفظ می‌کردند؛ به‌عنوان مثال برسر تعیین وزیر علوم و آموزش عالی مدت‌ها این فرح و اشرف دو جنگ در گرفته بود. مجید رهنما و وحید اینکه با هویدا دوست نزدیک بود؛ با این همه به اعتبار نزدیکی‌اش با اشرف به این سمت انتخاب شده بود و زمانی هم که کنارش گذاشتند باز هم به این خاطر بود که به اشرف ضربه‌ای بزنند.

■ عزل فرمانده گارد
پرویز ثابتی در کتاب بررسی علل و عوامل فروپا